

فلسفه آنجایی که انسان می‌خواهد عمیق تر بیاندیشد

استاد دانشگاه تهران با بیان اینکه فلسفه چیست گفت: فلسفه علم نیست بلکه تامل درباره علم است. آنجا که ذهن ما سعی می‌کند مساله را به ژرفا ببیند همانجا می‌شود گفت فلسفه شروع می‌شود.



استاد دانشگاه تهران با بیان اینکه فلسفه چیست گفت: فلسفه علم نیست بلکه تامل درباره علم است. آنجا که ذهن ما سعی می‌کند مساله را به ژرفا ببیند همانجا می‌شود گفت فلسفه شروع می‌شود. انیشتین آنجا که می‌خواهد عمق نسبیت را بفهمد و بیاندیشد، آنجا فیلسوف است. فلسفه، تعلیم و تربیت است و آنجایی که فلسفه به درد می‌خورد، در حوزه آموزش است. به گزارش خبرنگار مهر، همایش روز جهانی فلسفه با عنوان دمی زندگی - برای زندگی، امروز در دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد این مراسم با حضور دکتر کریم مجتهدی استاد فلسفه دانشگاه تهران و دکتر بیژن عبدالکریمی استاد فلسفه دانشگاه آزاد اسلامی و حمید رضا آیت الهی رئیس سابق پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به سخنرانی پرداختند. در ابتدای این مراسم دکتر کریم مجتهدی با بیان اینکه 30 سال به جلسه شما دیر رسیده ام، گفت: شما باید 30 سال پیش من را به این جلسه دعوت می‌کردید و ادامه داد: اصلا بین فلسفه و سخنوری کاملاً تفاوت قائلم. خطابه و جدل برای اسقاط حق خصم است در صورتی که در فلسفه فقط شما سوال را طرح می‌کنید، بیشتر مسائلی که ما مطرح می‌کنیم، درست نیست. وی افزود: به نظر من فلسفه حتی علم نیست بلکه تامل درباره علم است و به تعبیر فردوسی سخن هر چه باشد به ژرفا ببین. آنجا که ذهن ما سعی می‌کند مساله را به ژرفا ببیند همانجا می‌شود گفت فلسفه شروع می‌شود، آنجایی که ذهن هر انسانی می‌خواهد عمیق تر ببیند آنجا فلسفه است. انیشتین آنجا که می‌خواهد عمق نسبیت را بفهمد و بیاندیشد، آنجا فیلسوف است. در علوم انسانی، طبیعیات و ریاضیات که در هر سه فلسفه وجود دارد.

مجتهدی در ادامه گفت: لفظ فیلسوف یعنی دوستدار حکمت. شما لحظه ای که واقعا حقیقت جویی می‌کنید در آن لحظه سخن فلسفی می‌گویید ما در زندگی مان وظایفی داریم حتی اگر نخواهیم آنها را انجام دهیم همه ما نسبت به دیگری وظایفی داریم، این وظایف را یا انجام می‌دهیم یا نمی‌دهیم، اما یک وظیفه نسبت به خودمان داریم و آن دانشی است که باید بیاموزیم که چگونه بیاندیشیم، این وظیفه ما است. ما بدین صورت راحت در جهان رها نشده ایم ما نسبت به خودمان وظیفه داریم در صورتی که زندگی وظیفه نیست بلکه یک رحمت الهی است اما دانشی که باید بیاموزیم، این وظیفه ما است. آن موجود زنده که زندگی می‌کند بدون آنکه بداند چرا زنده است، آن موجود زنده باید نسبت به خودش شناخت پیدا کند. زندگی داده می‌شود، اما بیداری داده نشده است.

این استاد دانشگاه در توضیح اینکه بیداری مسئولیت هایی برای انسان به همراه دارد، افزود: هر چقدر بیشتر بخواهید بیدار شوید، شعفی که پیدا می‌کنید، بقیه روحيات شما را هم تحصیل می‌کند و این عطش بیداری را در خودتان بیدار کنید، هر چند که مدرک، زندگی، پول و... هم می‌خواهیم، اما این موهبتی است که لیاقت دریافت آن را خودمان باید کشف کنیم. وی ادامه داد: این دانش جویی و حقیقت جویی مشکلاتی دارد و با موانعی روبرو است که فرانسویس بیکن از موانع علم آموزی و دانش جویی به نام بت‌ها نام می‌برد که قابل تأمل است. این موانع تعداد زیادی هم دارند و گریبانگیر همه ما است. یکی از آنها پیش داوری است به طور کلی همه ما می‌گوییم علم بدون عمل ارزش ندارد اگر منظور از این سخن آن باشد که نظر ارزش ندارد، این شدیداً اشتباه است، عمل زمانی ارزش دارد که مشروط بر نظر باشد. آیا می‌شود بدون اینکه فکر کنیم، عمل کنیم؟ و این یک پیش داوری است.

مجتهدی در ادامه گفت: فلسفه شما را می‌سازد که آن کاربرد روزانه‌تان را صحیح انجام دهید. فلسفه، تعلیم و تربیت است و آنجایی که فلسفه به درد می‌خورد، در حوزه آموزش است.

استاد فلسفه دانشگاه تهران در بیان یکی دیگر از پیش داوری ها تصریح کرد: رابطه بین تخصص و تعهد یکی دیگر از پیش داوری هایی است که ما داریم و بیکن به آن پرداخته است، به طوریکه در جامعه گفته می‌شود منظور این است که تعهد در اولویت است. اگر منظور این است که تعهد باشد و تخصص نباشد، من با آن مخالفم، اما یک متخصص می‌تواند متعهد هم باشد. تعهد بدون تخصص بی معنا است. من ترجیح دادم در این جلسه موضوع صحبت من فلسفه و پژوهش باشد. فیلسوف و دانش جو، حب حکمت دارند.

وی گفت: پژوهش ارتباط فلسفه را با خود فلسفه و با علم و روش بیان می‌کند. آنجایی که ما باید روش مند باشیم در پژوهشمان است، بدون پژوهش، علم معنا ندارد. رابطه پژوهش و روش را که در نظر بگیریم، به قرن 17 و 18 برمی‌گردد. فلاسفه این دوره، یعنی دوره عصر جدید به کارهایشان که نگاه می‌کنیم همه در جستجوی یک روش هستند. برخی می‌خواهند بگویند که چگونه و با چه روشی طبیعت را مطالعه کنیم تا آن را بهتر بشناسیم. به فرض مثال، فرانسویس بیکن روش تجربی را مدنظر قرار داده است.

مجتهدی اضافه کرد: غرب خودش را از همین نسخه ها و روش ها ساخته و در شکل گیری علوم تجربی دخیل بوده است. روش درست بکار بردن عقل نظر دکارت است. برای دکارت کسی که عقلش را درست بکار می‌برد، این نیست که منطق صوری

ارسطویی را به کار می برد. وی می گوید: «آن روش درست عقلانی، روش برهان ریاضی است.» او می گوید: «کل این عالم طبیعت، بر اساس امتداد و حرکت است، جهان ممتد است، جوهر این جهان، حرکت است.» این یک شگرد و برنامه ریزی است. اگر من این جمله را بگویم یعنی ذات این جهان را هندسی کرده ام و بعد هندسه تحلیلی را بنیان می گذارم. در بعد دیگری از سخنش که می گوید حرکت یعنی مکانیک، می خواهی جهان را درست بشناسی، باید هندسه و مکانیک را بشناسی. من در اینجا با دکارت موافق نیستم؛ چراکه جهان فقط ممتد نیست.

این استاد دانشگاه افزود: در اواخر قرن 17 و اوایل 18 نیوتن به عرصه می آید و فیزیک نیوتن همانطور که اسم اصلی کتاب او دنیا را تا زمان انیشتن قبضه کرد" اصول ریاضی فلسفه طبیعت و نظام آن" است. این اصول ریاضی حضور دکارت را نشان می دهد با اینکه نمی تواند دکارت را قبول داشته باشد. تا اواخر قرن 18 کانت در کونیسبرگ ظهور کرد. نقادی عقل کانت در واقع فلسفه فیزیک نیوتن است انیشتن مشکلات فیزیک نیوتن را از کانت فهمید. فلاسفه بزرگ خیلی توانستند موثر باشند و فلسفه ناتمام است، علم هم ناتمام است و باید آن را ادامه داد. و به همین دلیل است که بشر زنده است.